

علم أصول الفقه

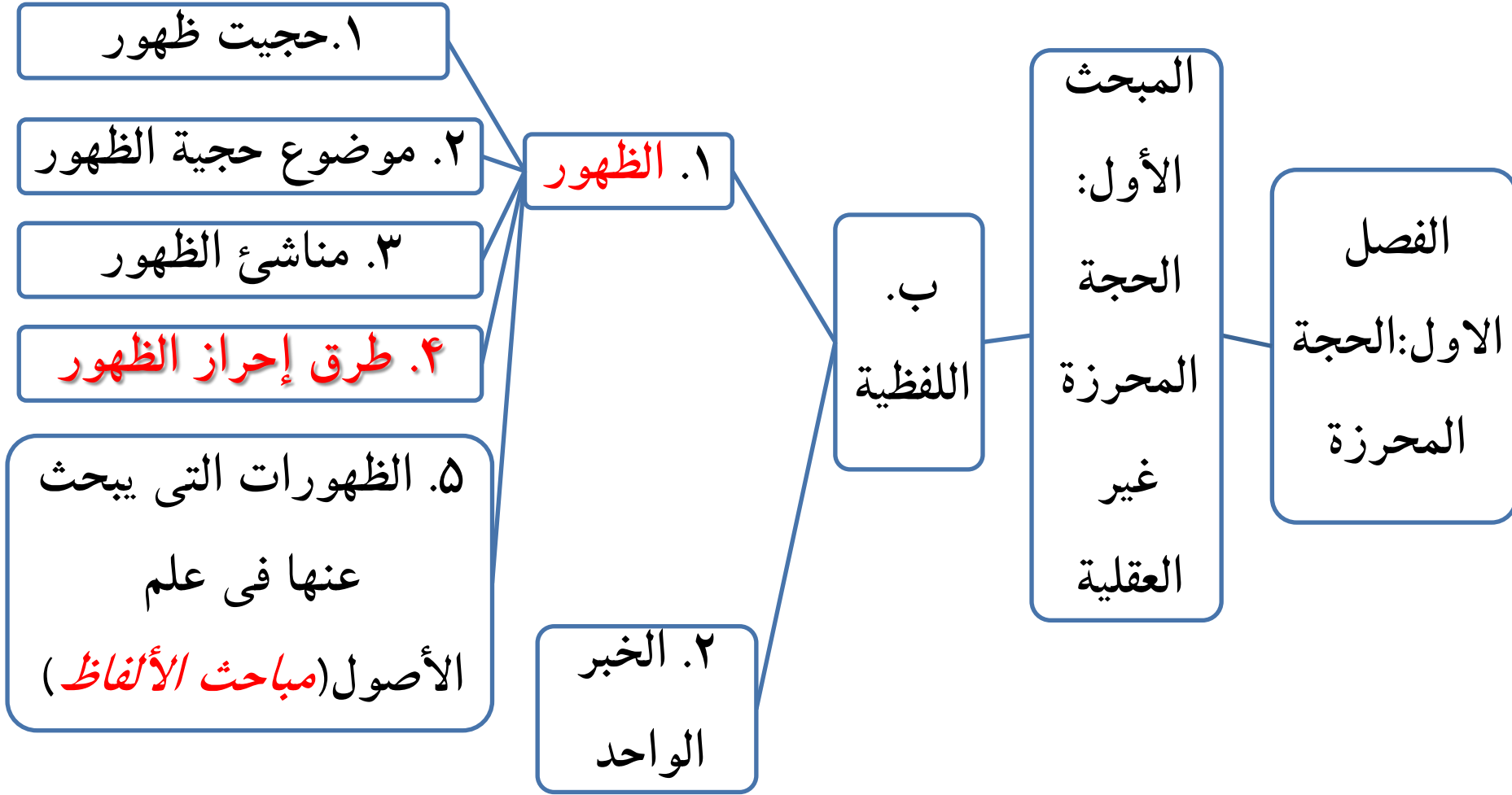
١٥

٥-٢-٩٤ ظهور

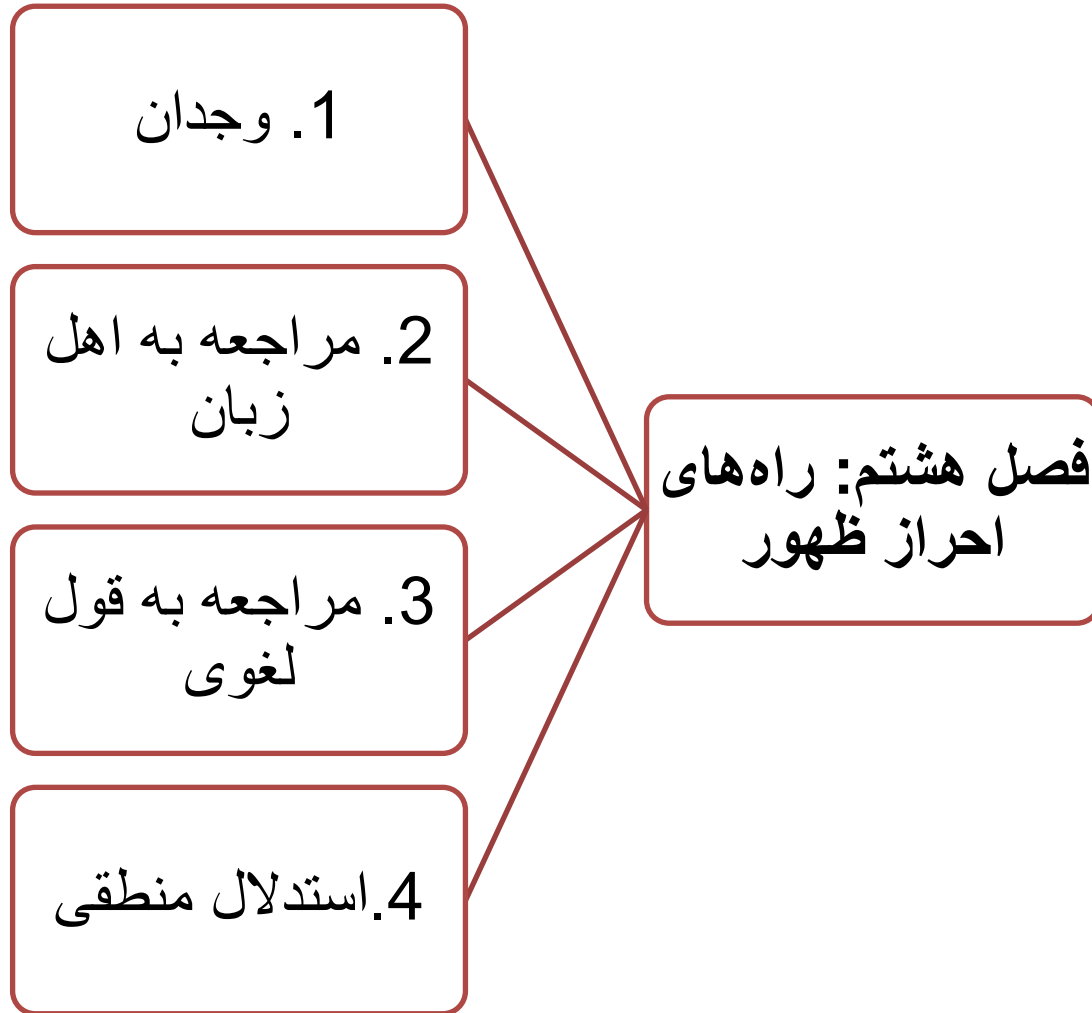
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

آَنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا

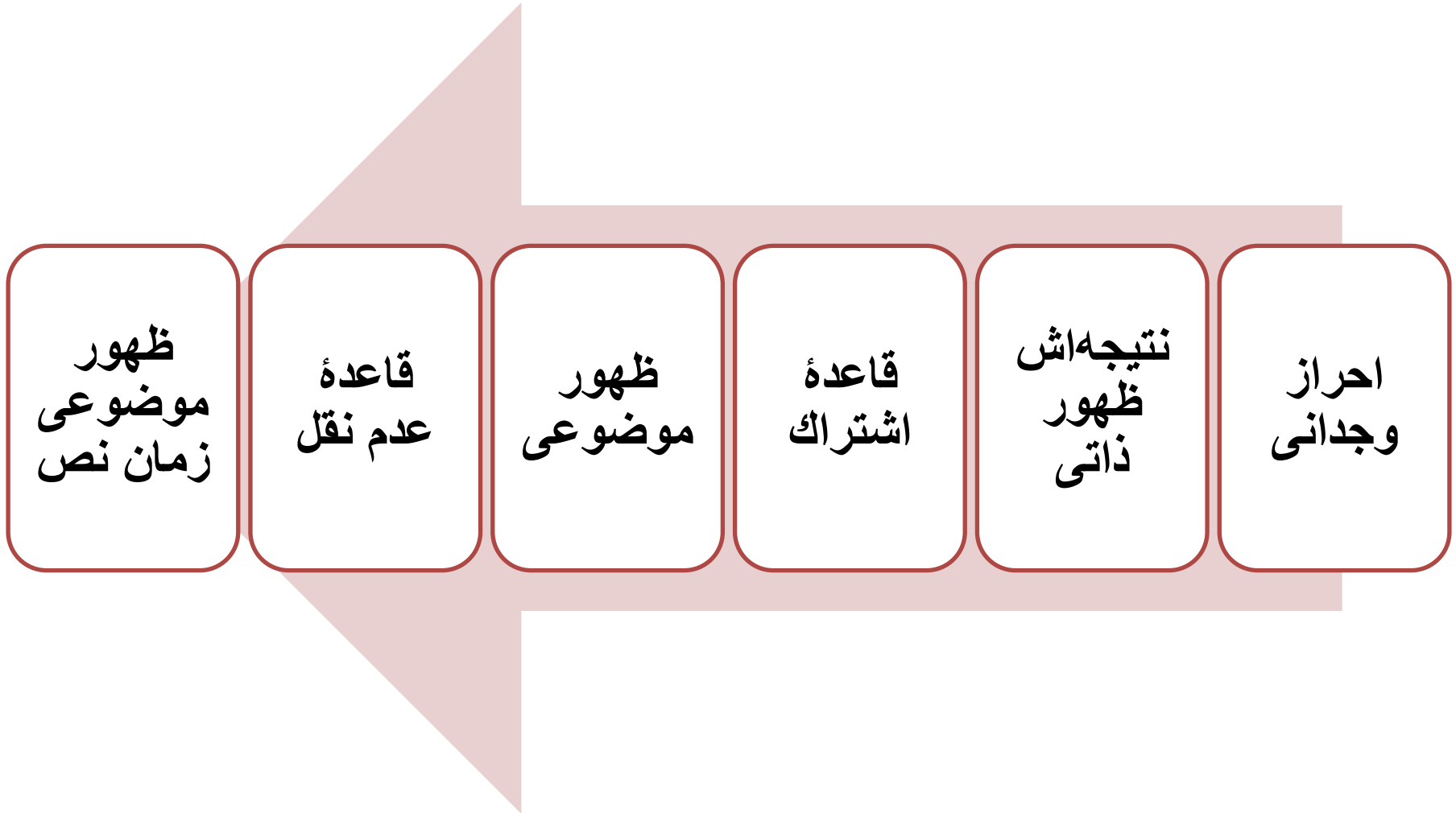
- فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمُ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (٢٩)
- فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (٣٠)



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

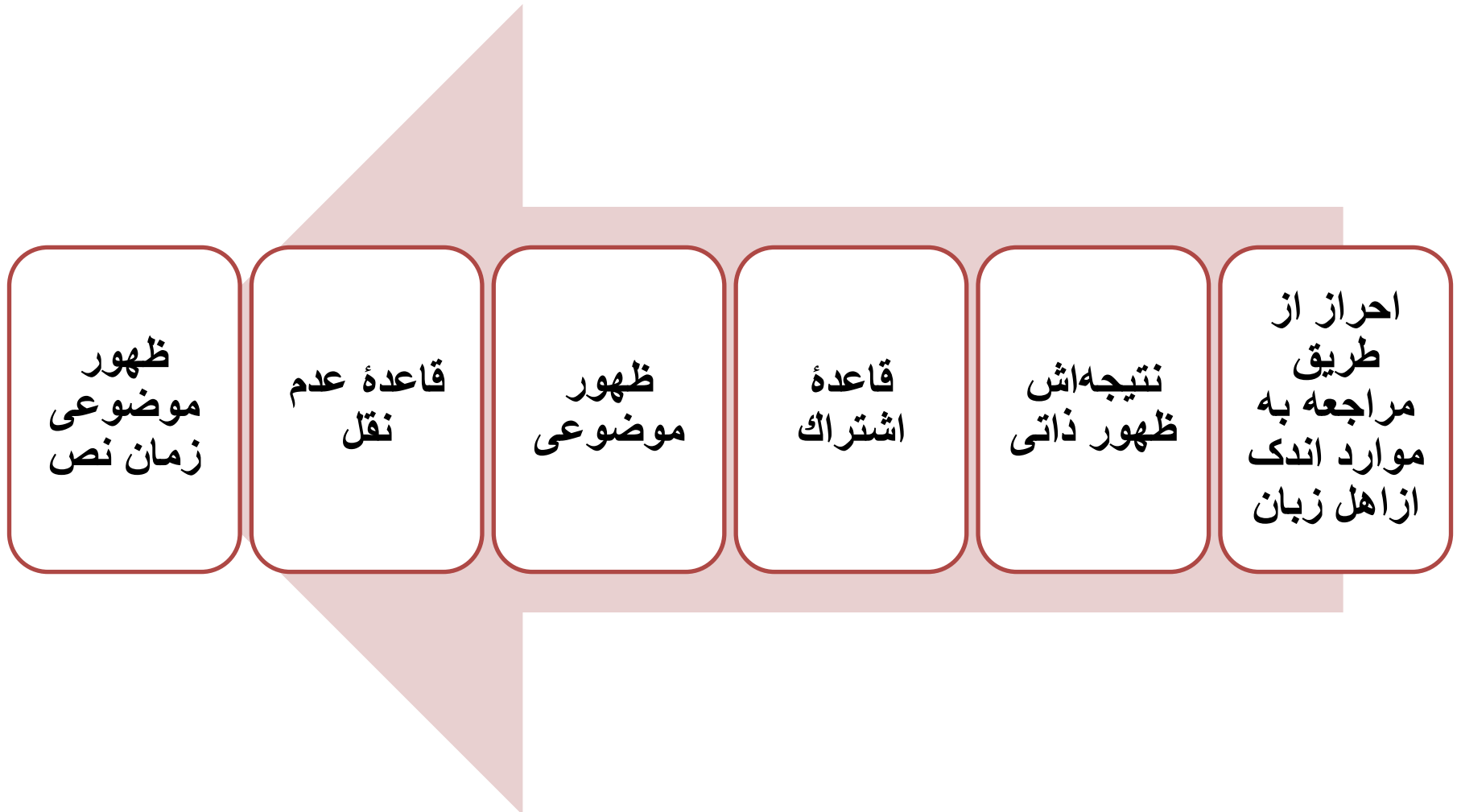


مورد مراجعه اندک

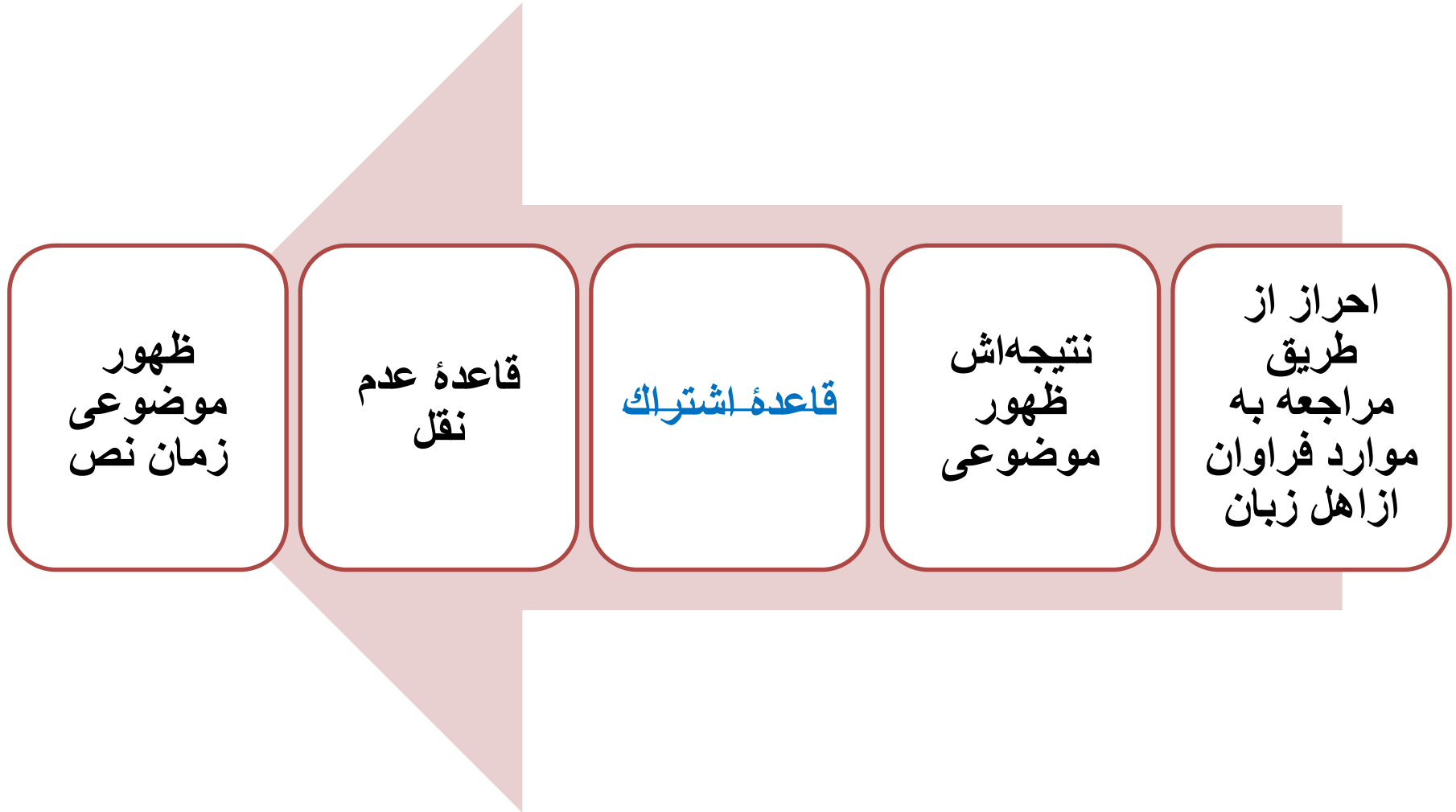
مورد مراجعه
فراوان

احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

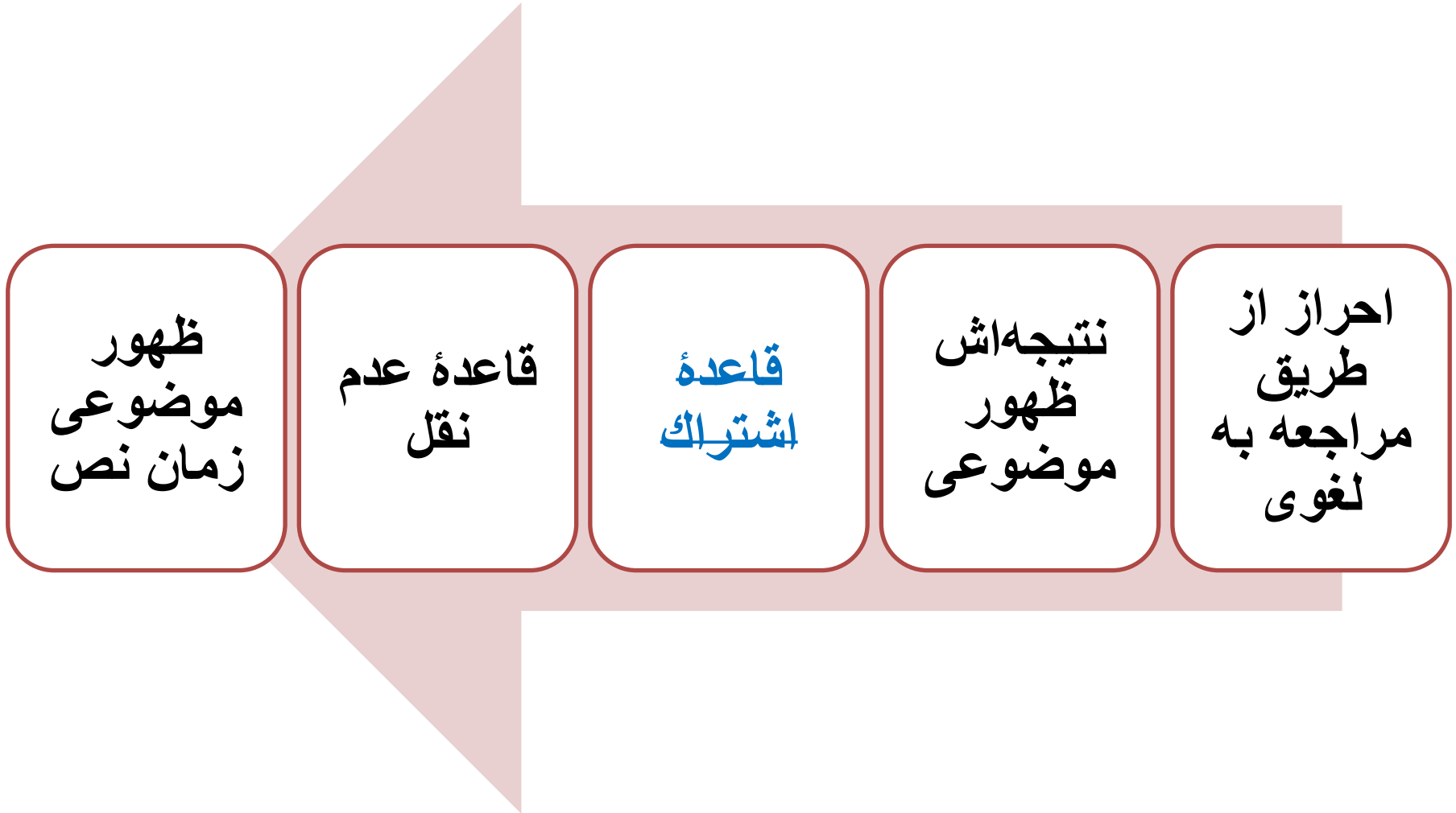
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



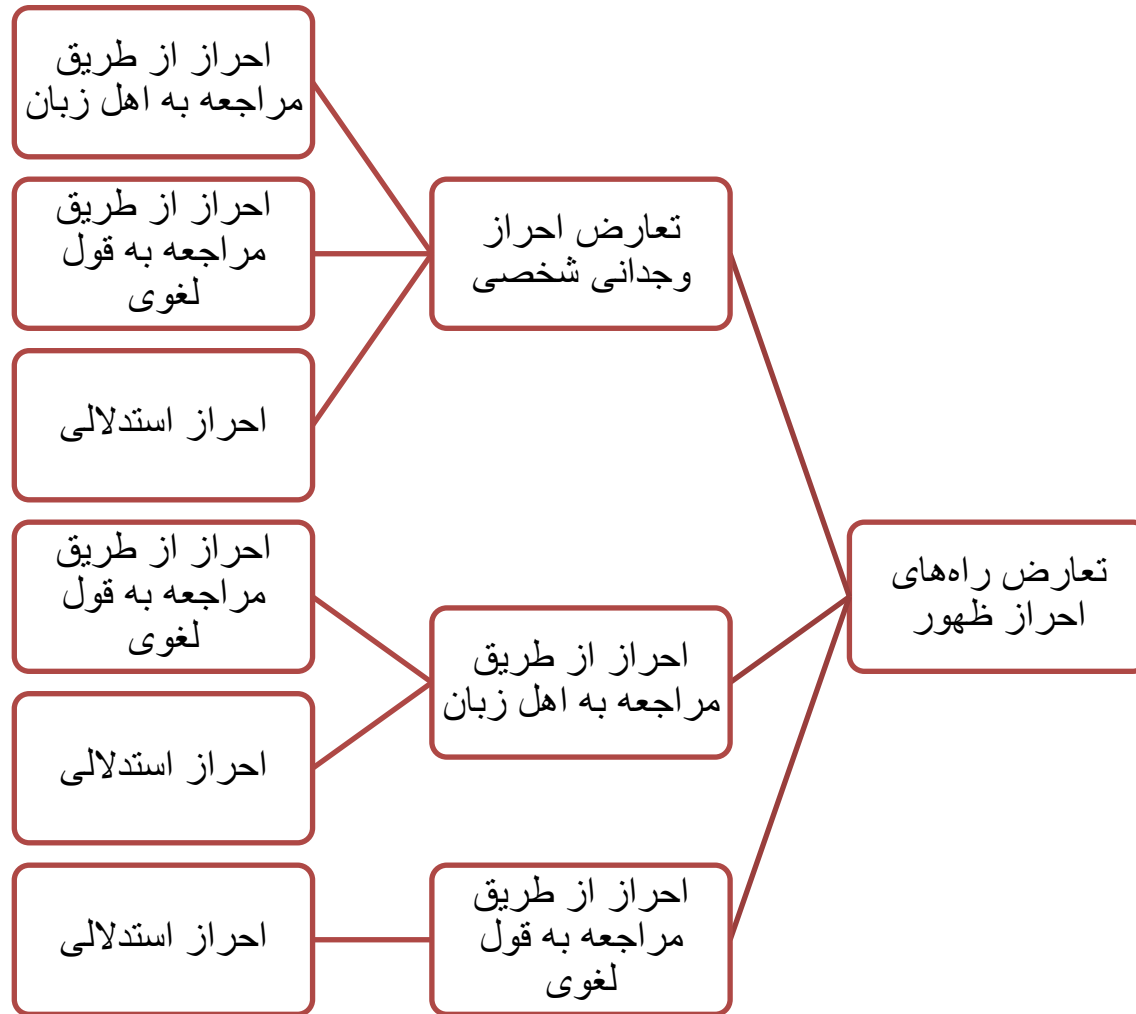
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

ظهور
موضوعی
زمان نص

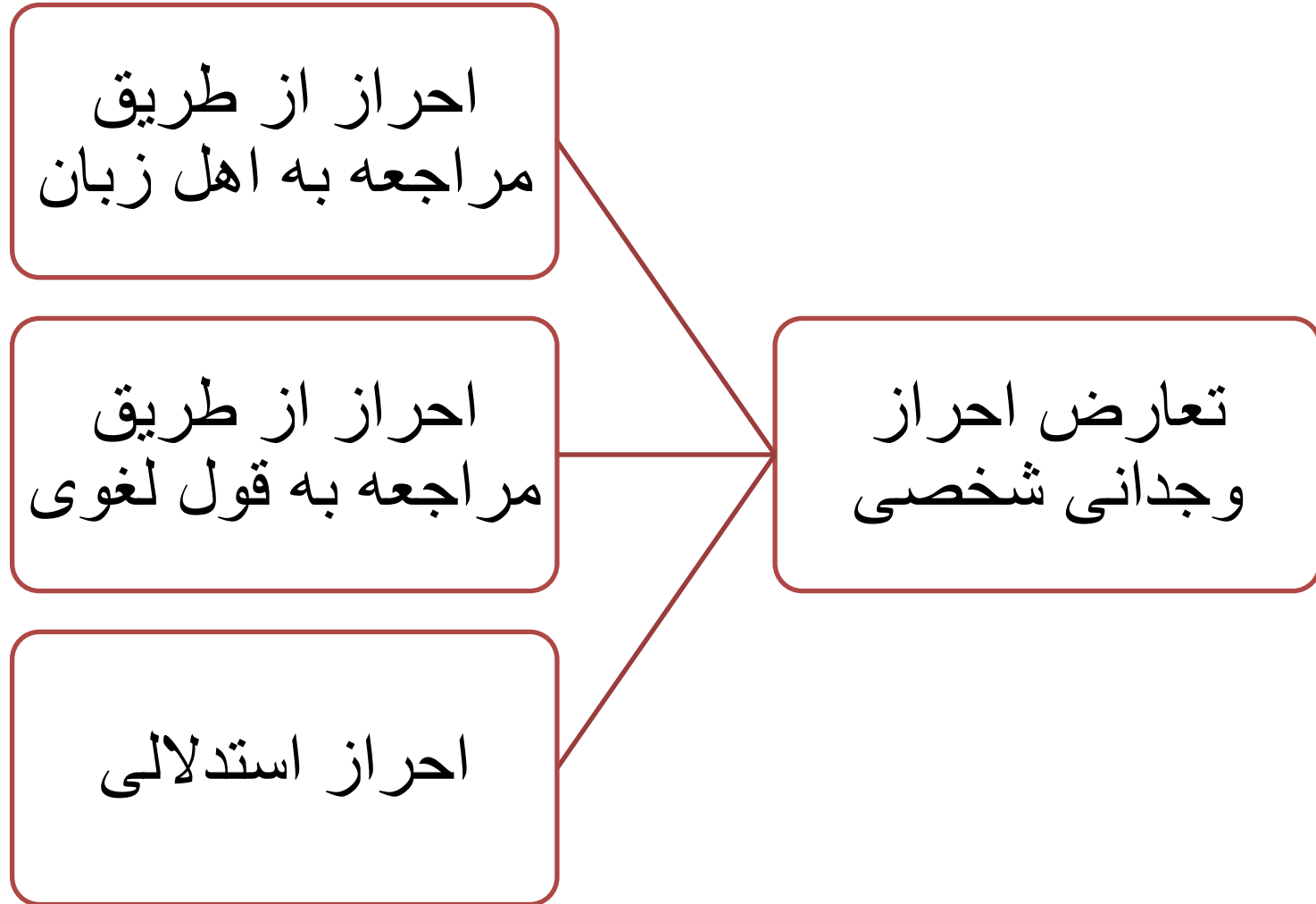
قاعده عدم
نقل

قاعده
اشتراک

احراز از
طریق
استدلال



تعارض راه‌های احراز ظهور

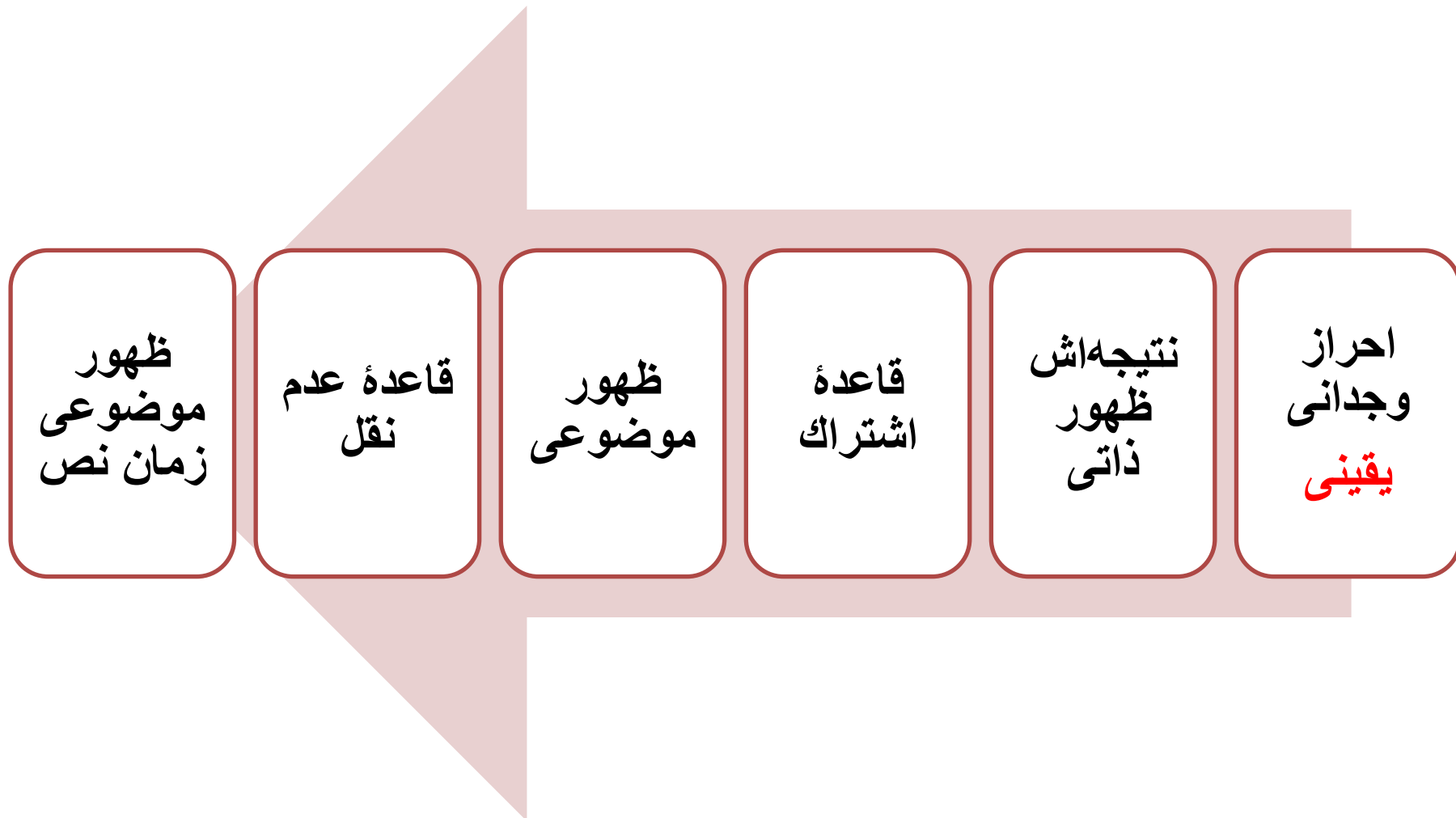


مورد مراجعه اندک

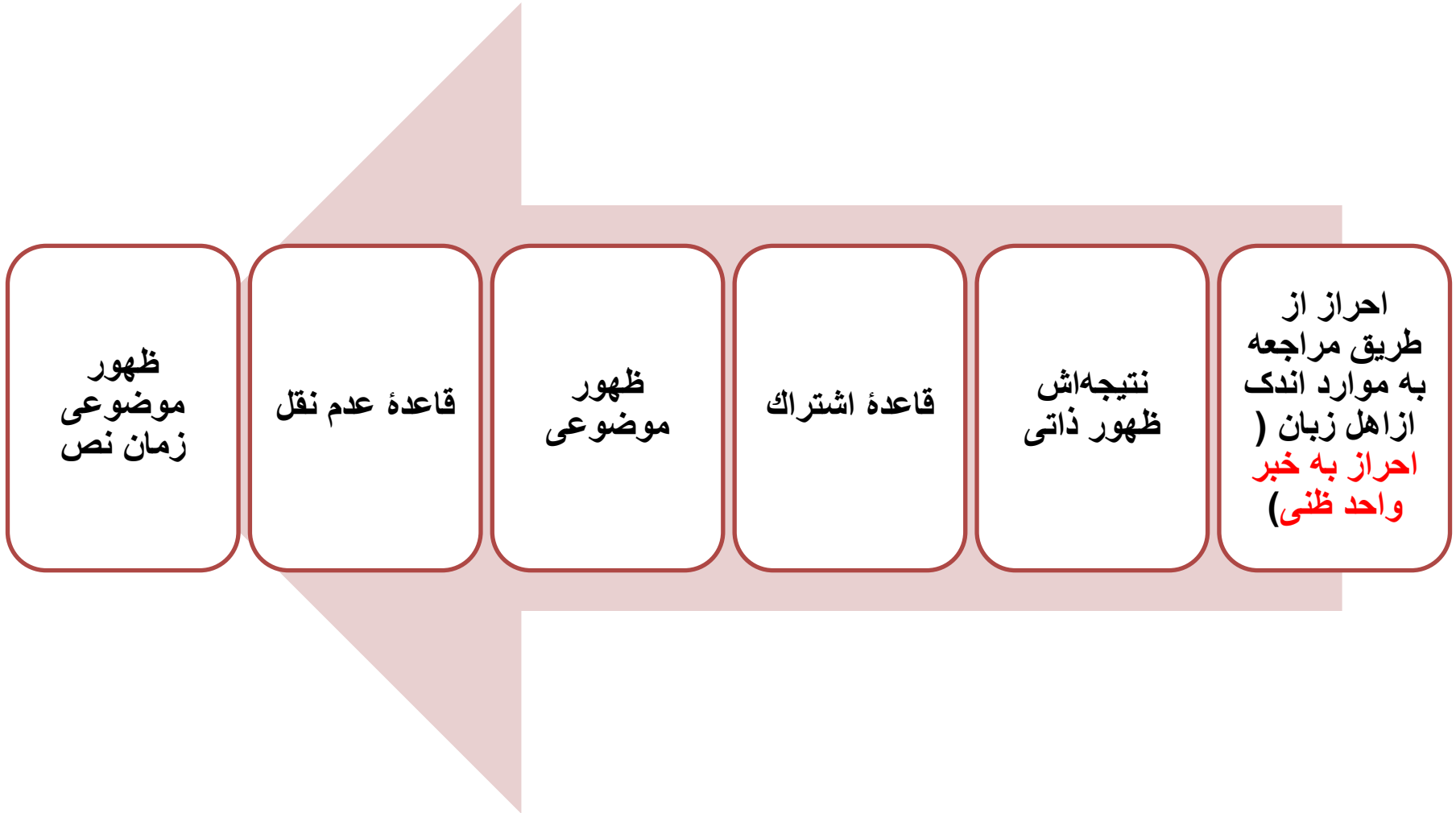
مورد مراجعه فراوان

- تعارض احراز وجدانی
با احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

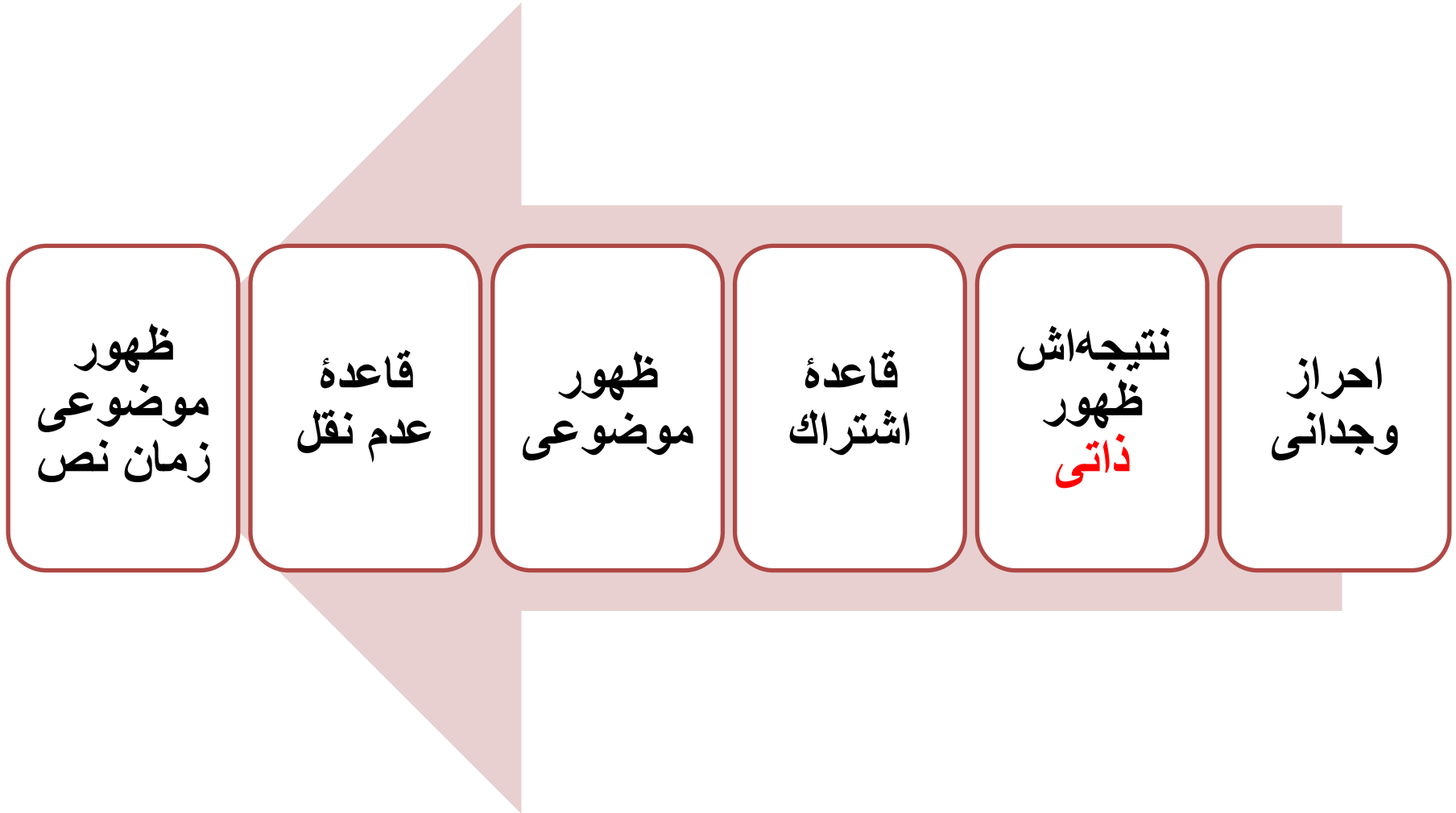


مورد مراجعه اندک

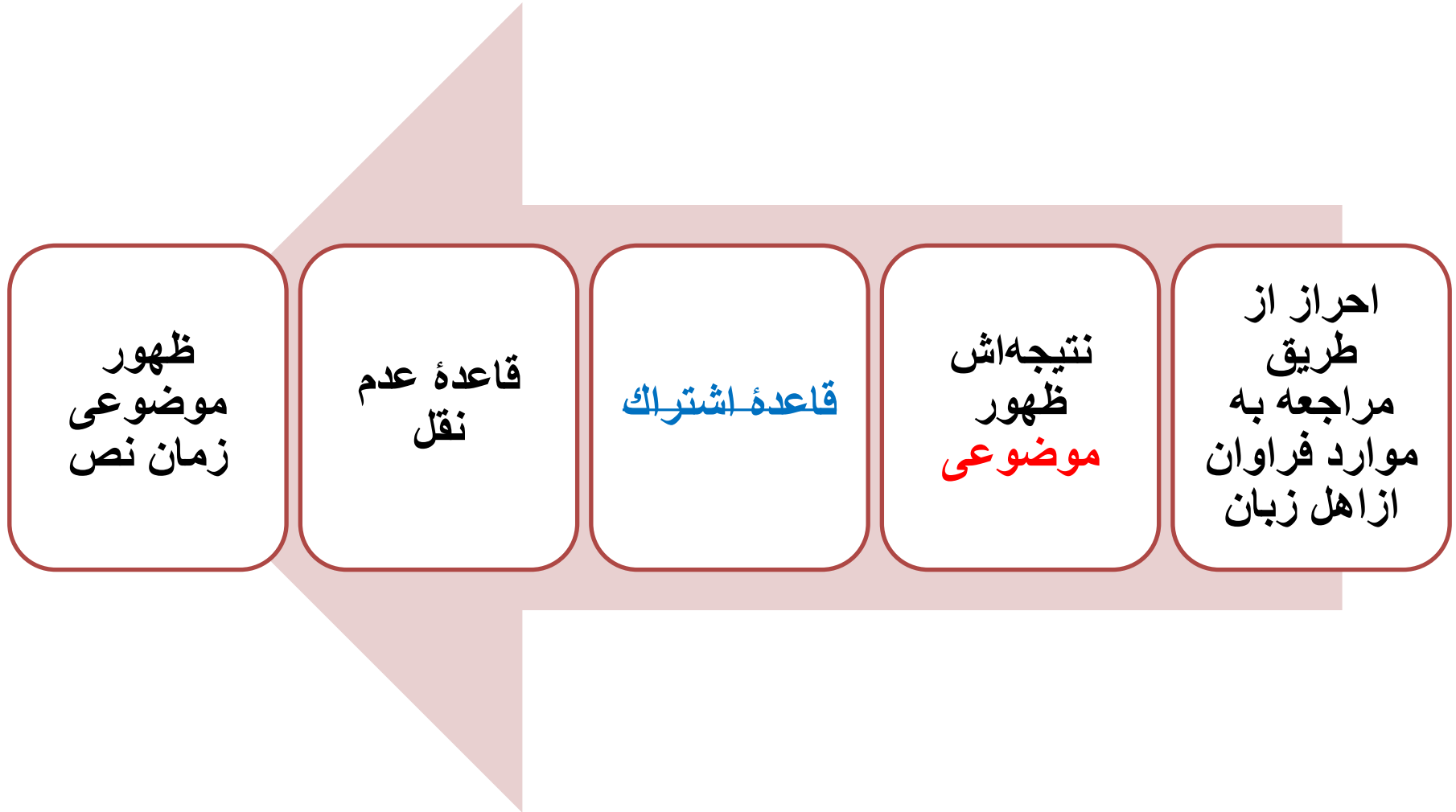
مورد مراجعه فراوان

- تعارض احراز وجدانی
با احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

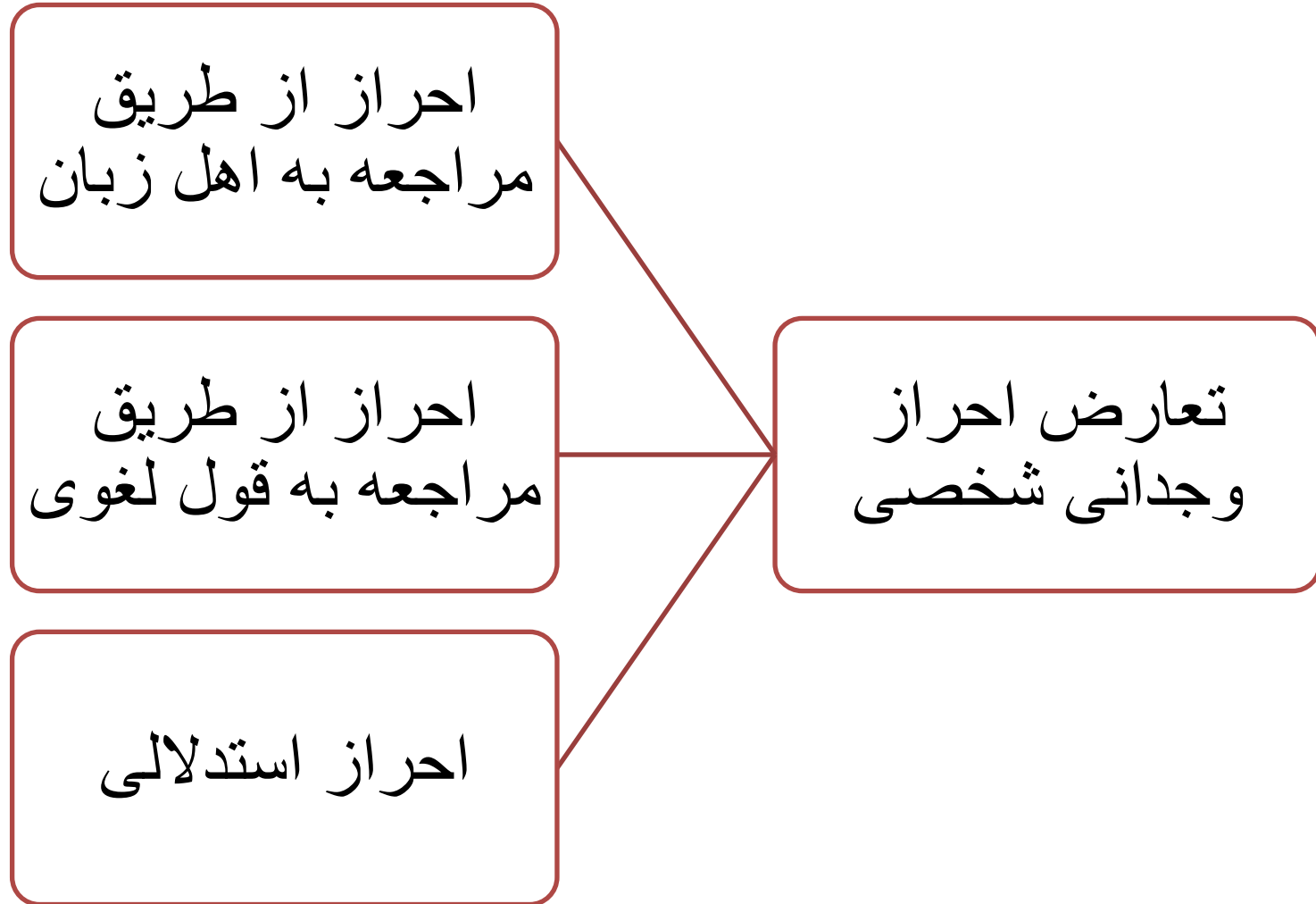
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور



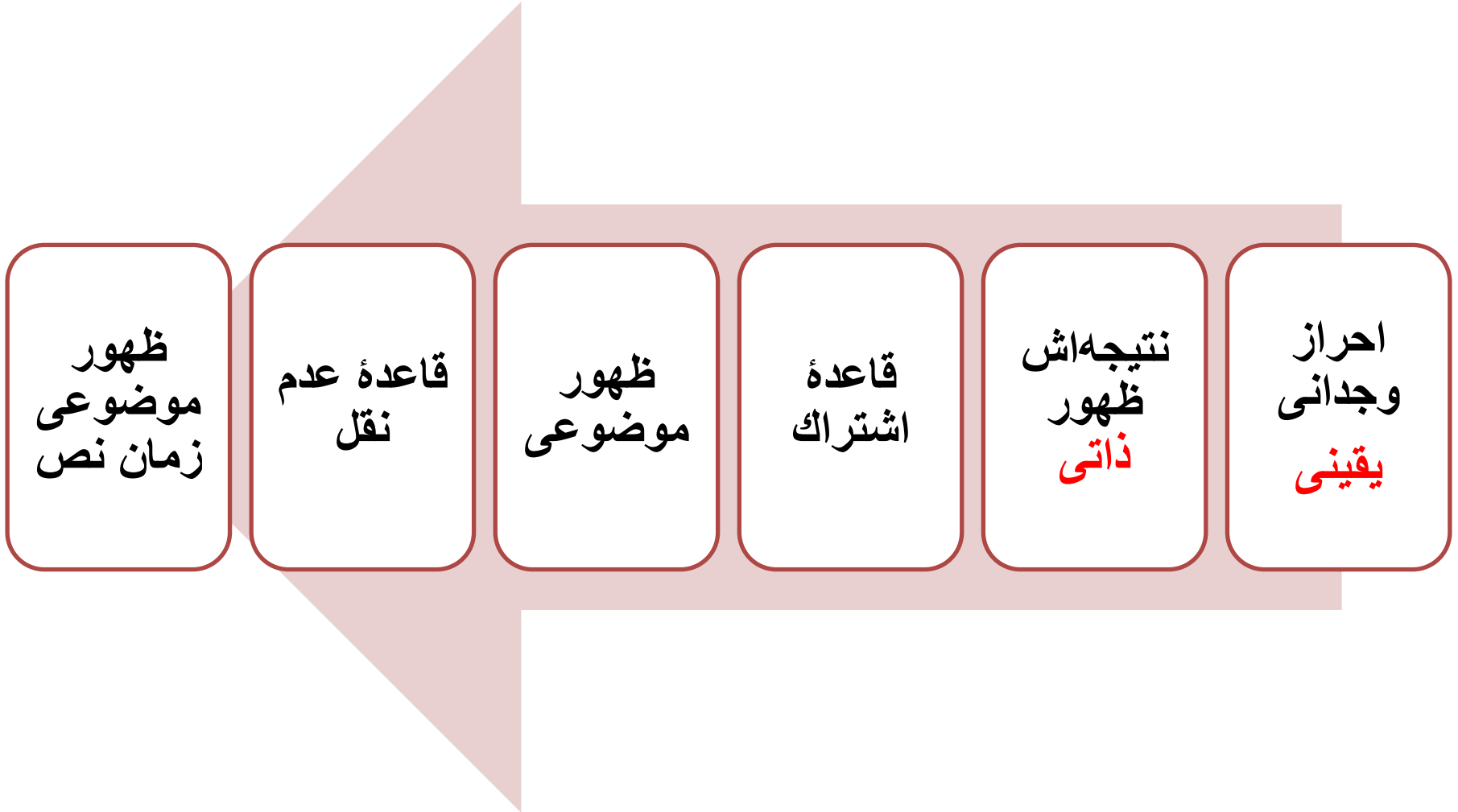
تعارض راه‌های احراز ظهور

- ۲- تعارض احراز وجدانی با احراز از طریق قول لغوی
- در این فرض اگر لغوی ظهور نوعی لفظ را بیان می‌کند نه ظهور شخصی یا ظهور زمان گذشته را بیان می‌کند نه زمان حاضر، به نوعی از تخصص خود استفاده کرده است و دیگر به عنوان یک اهل زبان معمولی نیست؛ مثلاً یا ادعایش این است که به مجموعه ای از اهل زبان مراجعه کرده و با استناد به مستندات تاریخی و استعمالاتی که در کتب قدیمی وجود دارد، اجتهاد کرده و به این نتیجه رسیده است که مثلاً ظاهر از این لفظ در نزد نوع مردم در زمان گذشته چنین معنایی است.

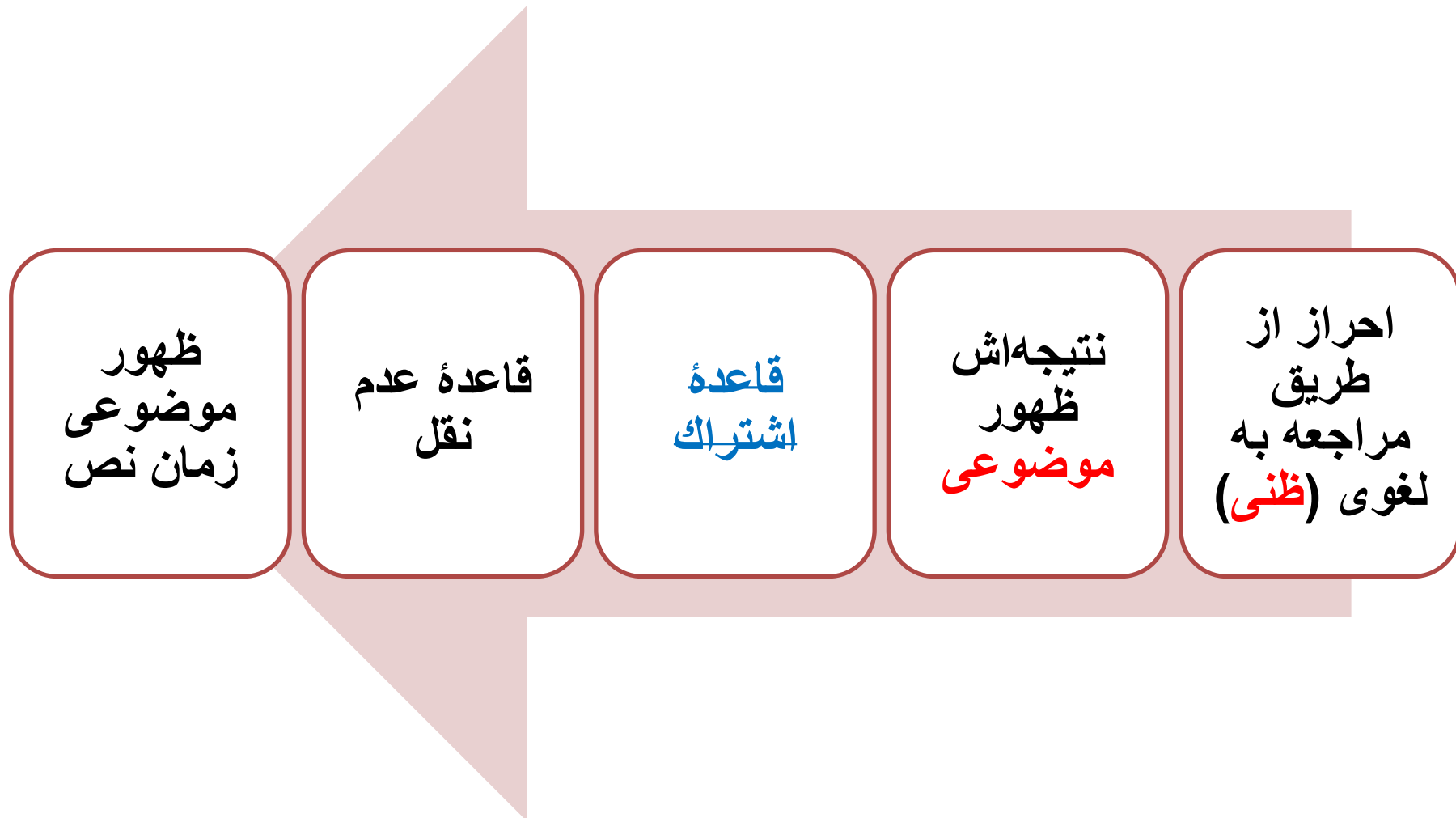
تعارض راه‌های احراز ظهور

- بنابراین در ناحیه احراز وجدانی شخصی احراز یقینی است و اصلاً اجتهاد در کار نیست. چیزی که از طریق احراز وجدانی شخصی به دست می‌آورم - با قطع نظر از اصول و قواعدی که برای توسعه آن به کار می‌گیریم - یک ظهور ذاتی، مربوط به زمان خودم و شخص خودم است. بخلاف آنچه لغوی می‌گوید که آن را از اجتهاد کرده است و یک ظهور موضوعی است.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

- در اینجا نمی‌توانم ظهور ذاتی وجدانی‌ام را با قاعده اشتراک توسعه دهم و ظهور موضوعی درست کنم.
- آن اصل و قاعده مادامی قابل جریان است که خلافش ثابت نشده باشد و اینجا خلافش ثابت شده است.
- آن اصل به محض وجود یک دلیل محرز دیگری مثل قول لغوی که حاکم بر آن اصل است، از کار می‌افتد.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- بنابراین در این فرض بین ظهور ذاتی و بین ظهور موضوعی تعارض رخ داده است.
- از آنجا که ظهور موضوعی معیار است، قول لغوی ترجیح داده می‌شود.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- فرض کنید ما که اهل زبان هستیم، در زبان فارسی با بعضی از الفاظ که خیلی با آنها مانوس نیستیم، مواجه شویم؛ مثلاً «کنکاش» که خیلی هم به کار می‌برند و نوعاً هم اشتباه می‌فهمند.
- حال مراجعه می‌کنیم به تبادر در نزد خود و می‌بینیم که متبادر از لفظ کنکاش برای من معنای تحقیق و پژوهش است و بعد نگاه می‌کنم به یک کتاب لغت معتبر فارسی که در آن لغوی به عنوان یک متخصص **کنکاش** را **گاوِش شور و مشورت** معنا کرده است.

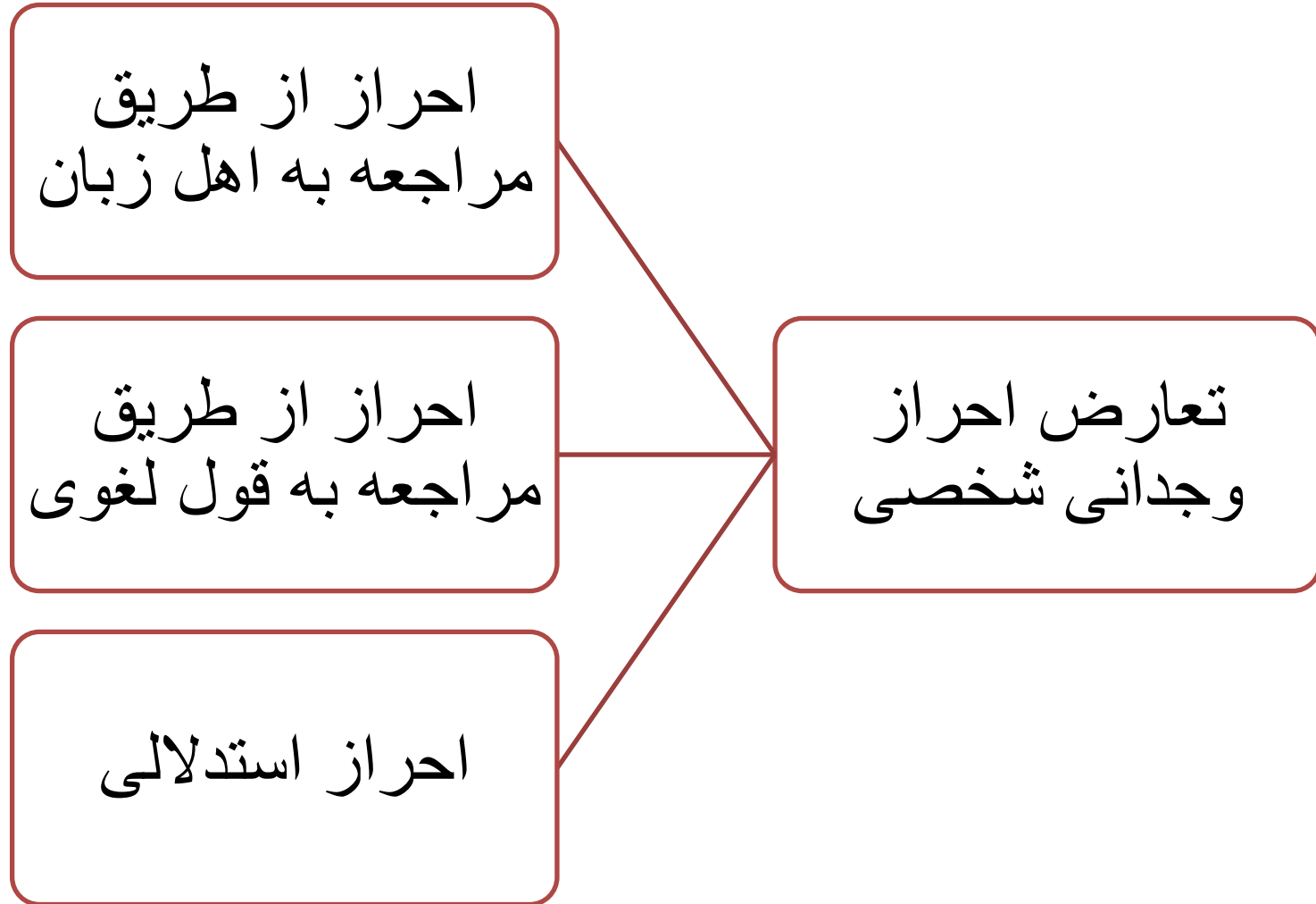
تعارض راه‌های احراز ظهور

- کنکاش به معنای کاوش و پژوهش نیست، بلکه به معنای گفت و گو و مباحثه است.
- در اینجا معلوم می‌شود که من اشتباه کرده‌ام و آن معنای متبادر یک ظهور ذاتی بوده است.

کنکاش

- کنکاش
- (ک) (ا.) مشورت ، شور، کنکاج هم گفته می شود.
- (فرهنگ فارسی معین)
- کنکاشستان
- (اسم) [مغولی. فارسی] [قدیمی]
- [kankāšestān] جای شور و مشورت؛ مجلس شورا.
- (فرهنگ لغت عمید)

تعارض راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

استقرائی

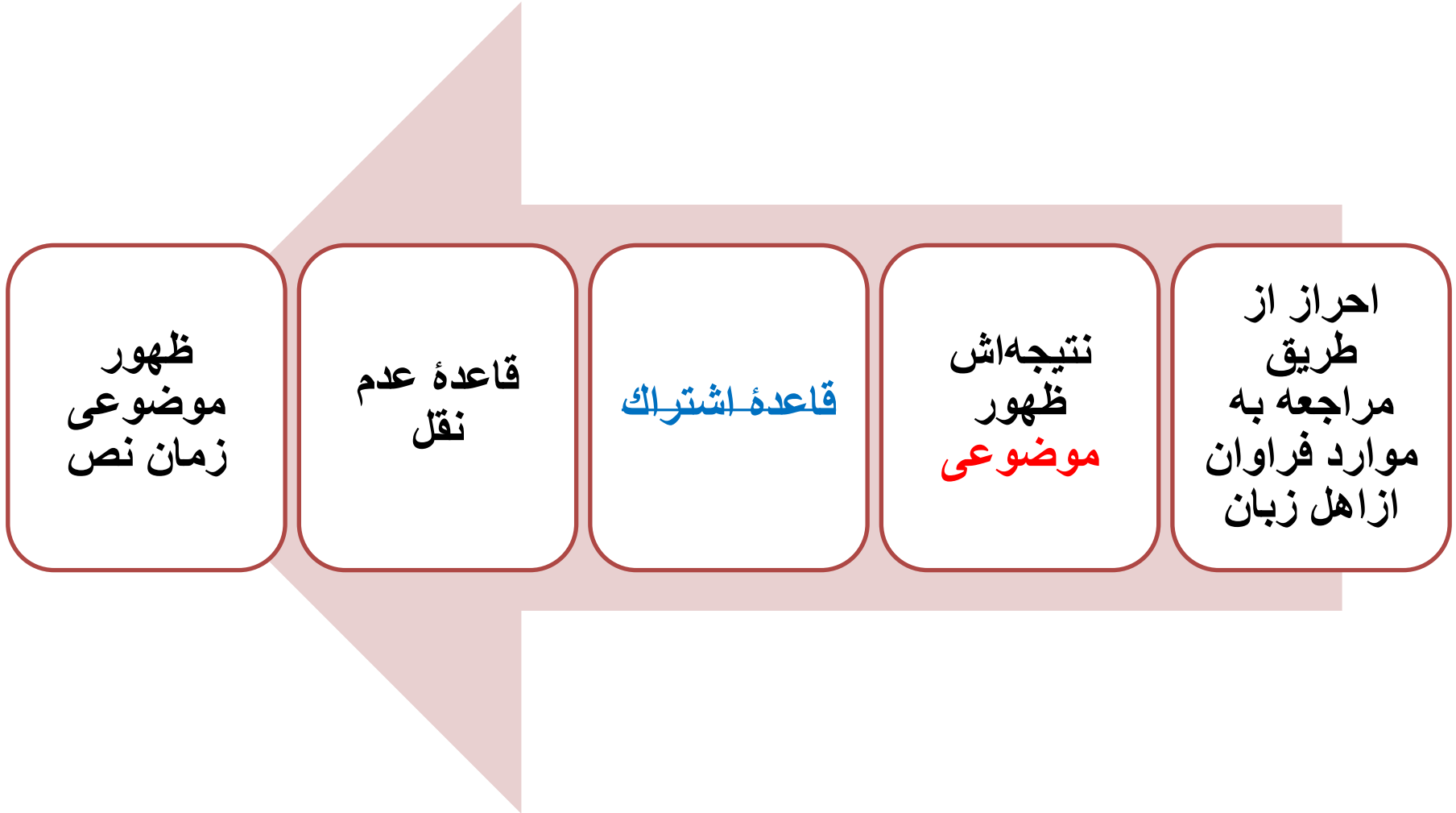
قیاسی

احراز
استدلالی

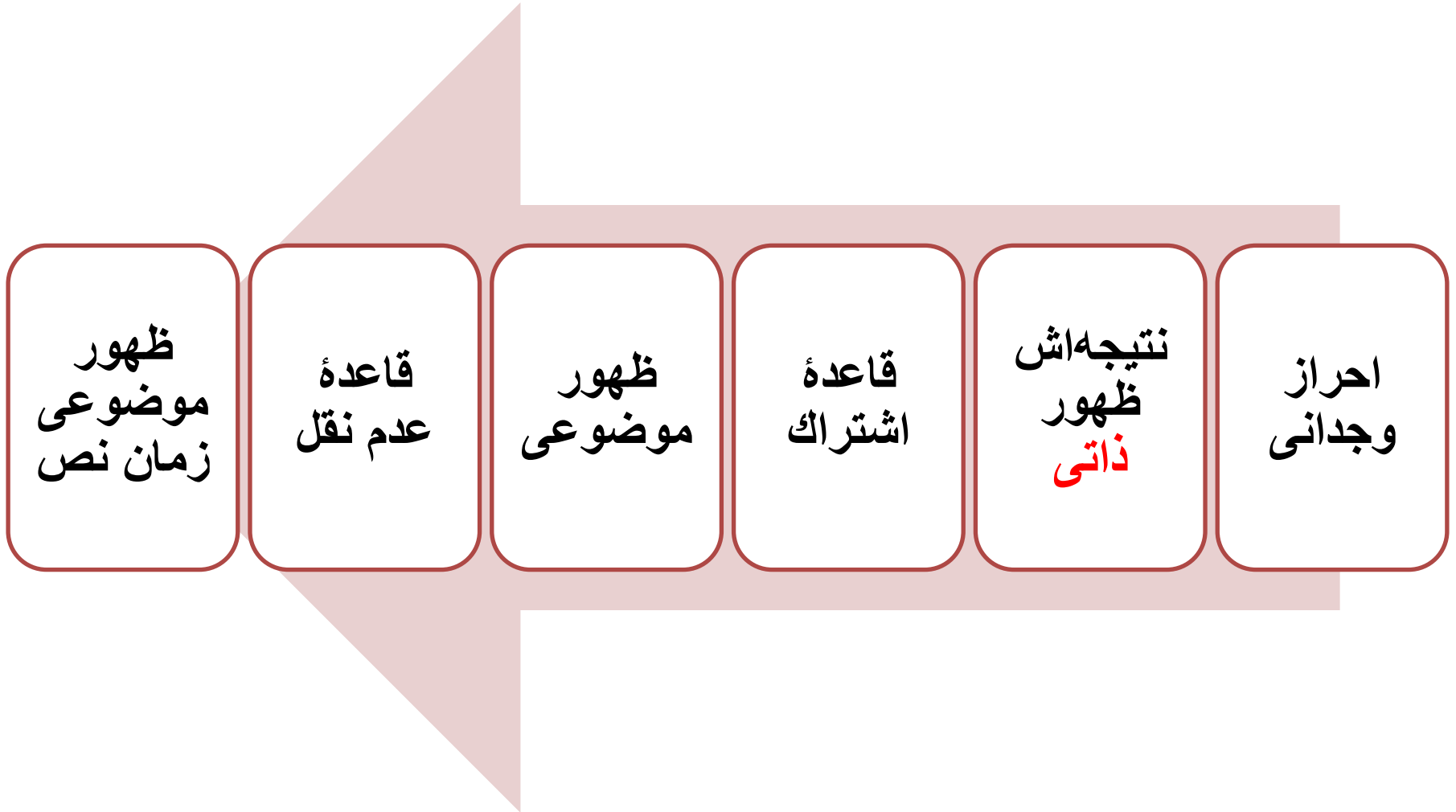
تعارض راه‌های احراز ظهور

- احراز استقرائی، مانند اینکه مراجعه کنم به افراد مختلف با اطلاعات و فرهنگ‌ها و موقعیت‌های متفاوت و بینم برای همه **این افراد** از یک لفظی یک معنا متبادر است و بعد نتیجه‌گیری کنم که این لفظ در این زبان برای این معنا است.
- این صورت در واقع همان اطراد تبادر است و مصداق احراز از طریق گروهی از اهل زبان خواهد بود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

- اگر احراز برهانی باشد، دیگر فرض تعارض آن با احراز وجدانی معنادار نیست؛ مثلاً در بحث صحیح و اعم با یک برهانی استدلال کردیم که نمی‌تواند الفاظ عبادات برای اعم وضع شده باشد؛ چون مفهوم جامع و اعمی که شامل صحیح و فاسد شود، مفهوم محصلی نیست تا قابل تصور باشد و وقتی امکان تصور آن وجود نداشته باشد، امکان وضع برای آن هم منتفی خواهد بود.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- اگر به فرض چنین برهانی داشته باشیم، دیگر نمی‌شود احراز وجدانی شخصی ما خلاف آن باشد. پس اگر به تبادر خودمان مراجعه کنیم و بینیم که مثلاً لفظ نماز برای اعم از نماز باطل و صحیح وضع شده است، معلوم می‌شود یکی از این دو احراز، فی حد نفسه اشکال دارد نه اینکه با فرض صحت هر دو بتوانیم درباره تعارضشان صحبت کنیم.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- اگر هم به ظاهر تعارضی دیده می‌شود، تعارض ابتدایی است به این معنا است که کشف می‌کند یا در احراز وجدانی اشتباه کرده‌ام و یا در احراز برهانی اشتباه کرده‌ام و باید به دنبال رفع اشتباه باشم نه ترجیح یک طرف بر طرف دیگر.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- در بحث‌های قبلی معنا دار بود که متبادر از یک لفظ برای یکی از اهل زبان با متبادر در نزد دیگری متفاوت باشد و اگر تعارضی بین این دو پیش آمد، کاشف از این نیست که یا من در تبادرم اشتباه کردم یا او.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- همچنین معنا دارد که متبادر از یک لفظ برای یک نفر یک چیز باشد؛ ولی متبادر از همان لفظ در نزد اهل زبان به صورت عمومی یک چیز دیگری باشد؛ اما در محل بحث معنا ندارد که وضع یک لفظ برای یک معنایی محال باشد و در همان حال به وجدان خود دریابیم که همان لفظ برای آن معنا وضع شده است. بنابراین یا در برهان ما خدشه است یا در تبادر ما.

تعارض راه‌های احراز ظهور

● در بحث تعارض ادلة لفظی با یکدیگر هم مثل همین بحث را می‌گوییم که تعارض بین عام و خاص یا مطلق و مقید تعارض بدوی است؛ چون بین طرفین در این موارد جمع وجود دارد. اساساً تعارض وقتی تعارض است که استقرار پیدا کند و وجه جمع در آن نباشد.

